

امام زمان(ع) ما و آرزوهای ما!

انسان در وجود خود، دو گونه آرزو را درک می کند، آرزوهای ناشی از فطرت و آرزوهای ناشی از طبیعت و این گونه است که روایات ما هم مدح کننده امل و آرزوست و هم مذمت کننده آن و خداوند سبحان قسم اول را اجابت، زمینه های تحقق آن را فراهم و مکلفان را به محقق ساختن آن مکلف نماید. وجه بارز و ممیزه مهم این نوع آرزوها فرامحیطی بودن آنهاست، از این رو وجه مشترک تمام انسان هاست.

امام زمان(ع) القابی دارد، منزل از آسمان، حقیقت «اسماءُ تُنَزَّلُ مِنَ السَّمَاءِ»^۱ درباره معصوم، صادق و مبتنی بر دارایی حقیقی است. هر یک از این القاب و اسامی، شرح کتاب گونه لازم دارد، یکی از این القاب امنیه است؛ یعنی آرزو «بِنَفْسِي أَنْتَ أَمْنِيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى، مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا»^۲

جانم فدایت تو آرمان و آرزوی هر مرد و زن مشتاق مؤمنی هستی که آرزویت کنند و به یادت ناله سر دهند».

آن حضرت با تمام اوصافش آرزوی مقدس تمام انسان ها و تمام امت هاست.

و همین مسئله دلیل بر فطری بودن نیاز به امام زمان و دلیل بر وجود فعلی آن حضرت است. بر خداوند متعال محال است که این آرزوهای فطری، مقدس و ضروری را به طور مطلق بی جواب بگذارد. انسان ها با تمام تفاوت ها و اختلاف ها در آرزوهای مقدس مشترکند و در هر دوره ای با این آرزوها زیسته و در حسرت نبود آنها گریسته اند و دنیا را با ناکامی و اندراس^۳ آرزوهای مقدس ترک کرده اند «وَدَرَسَتْ الْأَمَالُ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ»^۴ و کهنه شد آرزوها و قطع شد امیدها، مگر از تو خدای واحد که شریکی برایت نیست.» زیبایی دنیا با همین آرزوهای فطری است.

طبیعی است که در زمستان، همه در آرزوی بهار باشند و امیدوار به رسیدن آن. بهار بشریت فقط به دست او خواهد بود، او «رَبِّيعِ الْأَنَامِ، وَنَضْرَةِ الْأَيَّامِ»^۵ است و نابالغان دنیا و انسان های کوچک و کودک مرام، صورت ایام را خشن کرده اند و کاری کرده اند که دنیا مدام چهره کریه خود را به انسان ها نشان داده و می دهد و اینک همه در آرزوی تنفس در فضای معطر بهارند.

آرزوهای فطری و طبیعی

انسان در وجود خود، دو گونه آرزو را درک می کند، آرزوهای ناشی از فطرت و آرزوهای ناشی از طبیعت و این گونه است که روایات ما هم مدح کننده امل و آرزوست و هم مذمت کننده آن و خداوند سبحان قسم اول را اجابت،

زمینه های تحقق آن را فراهم و مکلفان را به محقق ساختن آن مکلف نماید. وجه بارز و ممیزه مهمّ این نوع آرزوها فرامحیطی بودن آنهاست، از این رو وجه مشترک تمام انسان هاست.

بعضی از آرزوها، آرزوهای انسان های خاص است که ناشی از شرایط محیطی یا اعتقادی یا اقتصادی یا فرهنگی و.. است؛ اما بعضی از آرزوها اختصاص به یک طائفه، قبیله، امت یا ملت ندارد؛ چنین آرزوهایی اقتضای ساختار بشر و فطرت است.

القابی چون موعود امم اشاره به این دارد که او آرزوی تمام انسان هاست و القابی چون «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِي ضَمِنَهُ»^۶ اشاره به این دارد که چنین آرزوهایی عقلاً و نقلاً باید محقق شود و اگر بنابر تعریف و امتیازبندی انسان ها باشد، باید با این گونه آرزوها تعریف شوند و اساساً شخصیت انسان با آرزو تعریف می شود. آرزو معرف و آینه تمام عیار معرفت انسان است و هرکس به اندازه معرفت خویش آرزو دارد و متعلّق آرزو، به هر پایه، نفیس تر باشد، معرفت همراه آن نیز به همان درجه، از درجه نفیس بودن برخوردار خواهد بود.

نقل است از مرحوم الهی قمشه ای سؤال شد که چه آرزویی در زندگی دارید؟ فرمود:

اینکه کنار حوض کوثر پای درس امیرالمؤمنین(ع) درس نهج البلاغه بخوانم.

آرزوهای فطری، نشان کمال فرد و جامعه

آرزوهای فطری نشان بلوغ و حیات و زمینه رشد و اعتلاء و عامل صیانت در برابر ظلم و تباهی است. فطرتی که با تقویت طبیعت یا با تسویل ترور شده است، از این آرزوها تهی و در خدمت ظلم است. جامعه ای که در آرزوی جامعه آرمانی نبوی و مهدوی است، در برابر آلودگی ها و تباهی ها ساکت نمی نشیند. چنین امید و انتظار و آرزویی بسیار تحریک کننده است و فرد و جامعه را در برابر ناهنجاری های اجتماعی و روابط ظالمانه اجتماعی عاصی می کند. از این رو دلّالان خون، شرف و حیثیت انسان ها با قدر فیلسوفان خود تلاش می کنند، جامعه آرمانی را خیالی و غیرممکن جلوه دهند تا بشریت امروز، هرگز در اندیشه و آرزوی آن نبوده و به وضع موجود تن در دهد.

پویر ۷ در مصاحبه اش با اشپیگل ۸ چند سال پیش از مرگش گفت: امروز مدینه فاضله در کلّ تاریخ بشر، جامعه ایالات متّحده است. مصاحبه گر از او پرسید در جامعه ای که هر ۸ ثانیه یک قتل و هر ۹ ثانیه یک تجاوز جنسی صورت می گیرد و جامعه ای که بزرگ ترین منبع درآمدش موادّ مخدّر و سلاح های کشتار جمعی، هسته ای، شیمیایی و میکروبی است، چگونه می تواند مدینه فاضله و پایان تاریخ باشد؟! او پاسخ می دهد که: اصل ضرورت فکر کردن به مدینه فاضله دروغ بزرگی بوده که به ما گفته اند، هیچ مدینه فاضله ای در انتهای تاریخ وجود ندارد و نباید به آن فکر کرد و این فکری انحرافی در ذهن بشر و باوری اساطیری است!!!

وجود مبارک حضرت حجت لبیک الهی برای آرزوهای مقدس انسانی و نیاز اصیل تکوینی است و نیاز تکوینی همیشه پاسخ دارد «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ ۹ هر که در آسمان و زمین است، از او درخواست می کند». این سؤال، تکوینی است و لذا بی جواب نیست. هر آرزوی مقدس که در ادوار مختلف به ذهن و قلب بشر رسیده، آرزوی فطری و تکوینی است، از این رو، همه آنها در عصر مهدوی به تحقق خواهد پیوست. یا قدرت فوق العاده ای که کوچک ترین تحرک تروریست ها را متوجه و آنها را منکوب نماید.

از این روست که دلایل نقلی فراوانی بر فوق العاده و خارق العاده بودن قدرت صاحب العصر و الزمان (عج) وارد شده است و این گونه است که اوصاف آن حضرت، آیینه آرزوهای مقدس اولین و آخرین گردیده است. این گونه آرزوها رفته رفته تشدید خواهد شد؛ زیرا ظلم، رفته رفته جهانی خواهد شد، در نتیجه بشر؛ آن چنان در حسرت این آرزوها خواهد سوخت و آن چنان عطش انسان به این آرزوهای مقدس فزونی خواهد یافت که همانند زنبوران عسل که به دنبال ملکه روان باشند، به دنبال انسان کامل خواهند بود، همچنان که رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: «یاوی الی المهدی اُمته کما تاوی النحل الی یعسوبها؛ ۱۱ امت به مهدی مهر می ورزند و به سویش پناه می برند، آنچنان که زنبوران عسل به سوی ملکه خود پناه می برند.» یعنی وجود مقدس صاحب العصر و الزمان (عج) در اوج عطش و آرزوهای مقدس خواهد آمد.

اوصاف امام زمان (ع) تماماً فهرست آرزوی فطری بشریت است و بشریت در انتظار تحقق آرزوهای مقدس و جهانی است و ما شمه ای از آنها را به عنوان نقطه اشتراک آمال تمام بشریت و موعود امم و ارکان دوران ظهور مرور می کنیم:

آرزوی اول

برچیده شدن بساط ظلم و تبعیض در جوامع بشری

یعنی نه سلطان ظالم باشد، نه والی ظالم، نه مرد ظالم، نه زن ظالم و عدل حتی در داخل خانه ها حاکم شود، همچنان که حرارت و برودت وارد خانه ها می شود، وارد حوزه خصوصی زندگی انسان ها شود و در عرصه جهانی ظلم، تبعیض، حق ویژه، برده داری و منطبق «الْحَقُّ لِمَنْ غَلَبَ؛ ۱۲ حق با کسی است که غلبه کند.» در مدیریت جهانی برچیده شود و مدیریت زمین به دست صالحان بیافتد و تحکم و زورگویی به پایان برسد.

آرزوی دوم

گسترده شدن بساط حکومت عدل

حکومت در جوامع و در سطح دنیا، حکومت

«وَأَسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظِ وَالنَّظَرِ، وَ الْإِشَارَةِ وَ التَّحِيهِ؛ ۱۳ مبدا که یکی را به گوشه چشم نگری و یکی را به شارات پاسخ گویی و یکی را با درود و تحیت با همگان یکسان باش تا بزرگان به طمع نیافتند که تو را به ستم کردن بر ناتوانان از عدالت تو نومید نکردند.» و حکومت «يَقْسُمُ الْمَالَ صَاحَاً» ۱۴ باشد. حکومتی باشد که در آن تمکن پنهان و تمول پنهان، رانت، حق ویژه و برده داری، فاصله های فاحش و درّه های وحشتناک بین انسان ها نباشد.

«إِتَّخَذُوا مَالَ اللَّهِ دُولًا وَ عِبَادَ اللَّهِ خَوْلًا؛ ۱۵ مال خدا را میان خود، دست به دست می کنند، بندگان خدا را بنده خود می کنند.» نباشد، پشت قانون و نهاد قانون گذاری مافیای ثروت و قدرت نباشد، دست های پنهان به بیت المال قطع شود و اغنیا زاد فقرا را سرقت نکنند! «أَغْنِيَاؤُهُمْ يَسْرِقُونَ زَادَ الْفُقَرَاءِ؛ ۱۶ توانگران ایشان، امکانات زندگی فقیران را می دزدند.» حکومتی که در آن یک شبه میلیاردر شدن نباشد، میلیاردرهایی که امعاء و احشای آنها پر از فقر است؛ چون «مَنْ لَمْ يَكُنْ ثَمَّ كَانِ؛ ۱۷ کسی که چیزی نبوده و دارا شده است.» هستند. با یک بخش نامه سفارشی میلیاردها مالیات پا در هوا نماند، حکومتی که قدرت داشته باشد؛ مثل امیرالمؤمنین بگوید: «ارْفَعُ إِلَى حِسَابِك؛ ۱۸ حساب کارهایت را برایم بفرست»!!

حکومتی که در آن فرومایگان در مصادر امور خطیر قرار نگیرند، اطفال (به لحاظ عقلی) در صدر امور نباشند، حکومتی که در آن «إِذَا وَسَدَ الْأَمْرُ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ؛ ۱۹ وقتی کار را به دست ناهلان سپارند.» نباشد تا کار امت به فاجعه «قَامَتْ قِيَامَتُهُ» منجر نگردد، مدیریت ها بر مبنای شایستگی اعطا شود. حکومتی که در آن ظالم قوی در ظلم انسان ضعیف، طمع نکند و مظلوم ضعیف از استیفای حق خود، مأیوس و خائف و نگران و متتعع نباشد.

حکومتی که در آن عدل مجهول جلوه گر شود، عدل مجهول از اصلی ترین آرزوهای بشر است؛ یعنی عدلی که برای مردم ناشناخته است «يُظْهِرُ اللَّهُ بِهِ مَعَايِدَ الْحَقِّ وَ مَجْهُولِ الْعَدْلِ؛ ۲۰ امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «حق مردم را ولو در کابین عروس ها باشد، برمی گردانم.»

اما فرزندش حضرت صاحب الامر (عج) می فرماید: «اگر زیر بن دندان هم باشد، برمی گردانم» این است عدل مجهول. «يُبْلِغُ مَنْ رَدَّ الْمَهْدَى الْمَظَالِمَ حَتَّى لَوْ كَانَ تَحْتَ ضَرْسِ إِنْسَانٍ شَيْءٌ اِنْتَزَعَهُ حَتَّى يَرُدَّهُ؛ مقدار و حدود پس گیری حق از بین رفته «در روزگار مهدی» بدان اندازه است که اگر حقی از کسی در زیر دندان دیگری باشد، حضرت آن را می ستاند و پس می گیرد.» ۲۱

امروزه مردم قضاوت داوودی را نمی شناسند، مجهول است؛ اما حکومت مهدوی قسم و بینه مطالبه نمی کند. در محکمه مهدوی، حکم با نگاه به باطن صادر می شود و به ظاهر اعتنایی نیست و این گوشه ای از عدل مجهول است.

در زمان داوود مردم نتوانستند تحمل این قضاوت را بکنند؛ اما آستانه تحمل در روزگار ظهور با تبُّلُغ الاحلام بالاست. عدل مجهول، یعنی اینکه عدالت مثل حَرّ و بَرْد ۲۲ که وارد خانه ها می شود، وارد محیط های اندرونی و غیرنظارتی شود و مجال دزدی نامرئی گرفته شود «أَمَّا وَ اللَّهُ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَذْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَ الْقُرْ!! ۲۳»

به خدا قسم که عدالت خود را در دورن خانه های مردم وارد می کند، همان گونه که سرما و گرما داخل می شود.»

و نتیجه عدل، غنای کل می شود «لَوْ عُدِلَ فِي النَّاسِ لَاسْتَغْنَوْا» ۲۴ اگر عدالت در میان مردم رعایت شود، آنها بی نیاز می شوند.» و فقیر تمام می شود و از همه بالاتر، استغنا حاصل می شود، به حدی که «وَلَا يَعْزُزَنَّ الْمَالُ فَلَا يَقْبَلُهُ أَحَدًا» ۲۵!

آرزوی سوم

دسترسی به ابزار پیشرفته برای عدالت تا دزدان نامرئی، مرئی و نقب های پنهانی به حقوق، آشکار گردد
عدالت جامع مخصوصاً عدل مجهول، ابزار پیشرفته و جامع می طلبد تا راه های فرار بسته شود. همه انسان ها آرزوی قضاوت داوودی دارند؛ اما نه خود و نه اهل زمان او تحمل آن را نداشتند و انسان ها کلاً مأمور به ظاهر شدند؛ باطن فقط در زمان حضرت حجّت خوانده می شود.

تعطیلی عدالت یا به جهت عدم اطلاع از دزدی است؛ در حالی که در زمان حضرت صاحب الامر(عج)، سنگ با اصحاب وی سخن می گوید که مجرم در دل من پنهان شده است و تمام باطن ها و غیبت ها بر ایشان مکشوف می گردد و وی بر اساس کشف کلی حکم می نماید و احتیاجی به قسم و بینه ندارد. «يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» ۲۶ برای ما درماندگان است و برای او همانند جدش غیبی نیست، همچنان که امیرالمؤمنین(ع) فرمود: «لَوْ كَشِفَ الْغِطَاءُ مَا ازْدَدْتُ يَقِينًا» ۲۷ اگر پرده ها به کنار رود، چیزی به یقین من نمی افزاید.» تعطیلی در اثر عدم قدرت است؛ یعنی ظالم یا خود، قدرت غالب است یا به قدرت غالب متکی است؛ در حالی که قدرت لاحدی حضرت حق در آن زمان در دست حضرت حجّت ظهور می کند. قدرتی که ما از تصور آن عاجزیم و در تصوّر اجمالی آن همین بس که یک شبه امر ایشان اصلاح می شود! «يُصْلِحُ اللَّهُ تَعَالَى أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ» ۲۸ خداوند یک شبه امر قیام او را اصلاح می کند.»

و یا به جهت فقر نیروی انسانی شایسته و مجریان مذهبی است که خود، مصداق «فَكَانَ أَوَّلَ عَذْلِهِ نَفْيُ الْهُوَى عَنْ نَفْسِهِ» ۲۹ ابتدای عدالت او نفی خواهش ها و گرایش های نفسانی است.» هستند. سه مانع یاد شده، غالب حرکت

های اصلاحی تاریخ را عقیم گذاشت و بزرگان بشریت در آتش حسرت حاکمیت عدالت سوختند و غلبه در غالب ادوار با ارباب کفر و ظلم شد و گاهی سایه شوم یاس به اردوگاه مؤمنان نزدیک گردید.

امیرالمؤمنین(ع) کاری را شروع کردند که آرزوی تمام ابنای بشر بود و آن اینکه به کسانی که به حقوق عمومی تجاوز کرده بودند، فرمود «ارْفَعْ إِلَى حِسَابِكَ؛ ۳۰ ابتدای عدالت او نفی خواهش ها و گرایش های نفسانی است.» اما این کار به سرانجام نرسید و اوضاع کشور به هم ریخت. از ترس آن دستور، همه فرار کردند؛ حتی ابن عباس که او نیز به طائف گریخت و حضرت به او فرمود «اَخْتَطَفْتَ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ عَلَيْهِ مِنْ أَمْوَالِهِمُ الْمَصُونَةَ لِأَرْامِلِهِمْ وَ أَيْتَامِهِمْ، اَخْتَطَفَ الذُّبَّ الْأَزْلَ دَامِيهِ الْمَعَزَى؛ ۳۱ ربودی اموال مسلمانان را که برای بیوه زنان و یتیمان انبار شده بود، مانند ربودن گرگ چالک بر مجروح پا شکسته را.» و حضرت آرزو کرد که در صورت عدم جبران حق توسط ابن عباس، به او ضربتی بزند که به تعبیر خود، به هرکس زده به جهنم واصل شده؛ اما این آرزو عملی نگردید.

امیرالمؤمنین(ع) معجزه رسالت خاتمیت بود؛ اما مقدمات این آرزو برای او فراهم نشد، سائرین که تکلیفشان معلوم است. در ساز و کار حسابرسی ما هم نسبت به متصدیان امور ماده ارفع الی حسابک وجود دارد؛ اما اجرای آن مقدماتی می خواهد که از حیطة اقتدار خارج است. به این اصل فقط یک نفر عمل خواهد کرد و در زمان او فرار معنی نخواهد داشت چون حکومت، حکومت واحد جهانی است و حکومت جهانی بدون ابزار جهانی مقدور نیست. ابزار این حکومت به قدری فراهم است که حضرت صاحب الامر(عج) حقوق ضایع شده را از بن دندان ها بیرون می کشد تا ممیز کلی حاصل شود «لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ؛ ۳۲ تا خدا ناپاک را از پاک جدا کند».

آن زمان دیگر معاویه ای نیست که دزدان بیت المال به او پناهنده شوند و از عدل علوی به ظلم اموی پناه ببرند، دیگر هیچ فرمانداری، حتی فرماندار «مدینه» به امیرالمؤمنین(ع) نامه نخواهد نوشت که غاصبان حقوق در حال فرار به «شام» هستند!

در آن روزگار دیگر امیرالمؤمنین(ع) آرزو نخواهد کرد که ای کاش به جای هر ده نفر شما، یک نفر از اصحاب معاویه را داشتم «لَوَدِدْتُ وَاللَّهِ أَنْ مَعَاوِيَةَ صَارَ قِنِي بِكُمْ صَرْفَ الدِّينَارِ بِالدَّرْهَمِ فَأَخَذَ مِنِّي عَشْرَةَ مِنْكُمْ وَ أَعْطَانِي رَجُلًا مِنْهُمْ؛ ۳۳ آن حضرت دیگر بر سر منبر با غمی جانسوز آرزوی لشکر از بنی فراس نخواهد کرد «أَمَا وَاللَّهِ لَوَدِدْتُ أَنْ لِي بِكُمْ أَلْفَ فَارِسٍ رَجُلًا مِنْ بَنِي فِرَاسٍ بَنِي غَنَمٍ» ۳۴ و جناب لوط آرزو نخواهد کرد «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوَى إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ؛ ۳۵ [لوط] گفت: کاش برای مقابله با شما قدرتی داشتم یا به تکیه گاهی استوار پناه می جستم».

آرزوها رفته رفته تشدید خواهد شد؛ زیرا ظلم، رفته رفته جهانی خواهد شد، در نتیجه بشر؛ آن چنان در حسرت این آرزوها خواهد سوخت و آن چنان عطش انسان به این آرزوهای مقدس فزونی خواهد یافت که همانند زنبوران عسل که به دنبال ملکه روان باشند، به دنبال انسان کامل خواهند بود،

آرزوی چهارم

انتقام از کسانی که بر بشریت ستم روا داشتند، کرامت انسان ها را شکستند، اصلی ترین سرمایه های مردم را از دست ایشان ستاندند. ذوات مقدسه ای چون امیرالمؤمنین و حسین و .. و بشریت مجروح را سال ها در فراق آن سرمایه ها نالان کردند.

اینجاست که رجعت معنای خاص پیدا می کند. رجعت خوبان مظلوم و ذبح و زنده به گور شده، امام صادق (ع) فرمود: «مائیم که زنده زنده زیر خاک دفن شدیم» «نحن الموءده» و رجعت ظالمانی که بشریت را منهدم کردند «هَدَّتْ مُصِيبَتُكَ الْأَنَامَ» ۳۶ بر گذشته صلوات فرستاده نمی شود و شعار «أَمَّا الْحَقُّ الْقَدِيمُ فَلَا يَبْطُلُهُ شَيْءٌ» ۳۷ بر سر در محاکم نقش می بندد. هرکس به کربلا نگریست، آرزوی انتقام کرد؛ حتی غیرمسلمان ها و حتی ملائکه، در شب نیمه شعبان هزار پیامبر (ص) به «کربلا» می آیند تا به حسین (ع) تبریک بگویند که منتقم آمد.

آیا قدوم انبیا برای تشفی خاطر است؟ آیا نفس انتقام امام عصر (عج) برای تسلی خاطر است؟ حاشا ثم حاشا، در این مسئله باید خیلی دقیق شد، از آن روزی که امت بدن و قلب حسین (ع) را که خازن وحی از آدم تا خاتم بود «وَجَعَلْتُ حُسَيْنًا خَازِنَ وَحْيِي» ۳۸ حسین را خزانة دار وحی ات کن. زیر سم اسب ها گذاشت، مورد نفرین قرار گرفت و تا اگر مبتلی به عذاب تفرق گشت. همچنان که حضرت جبرائیل (ع) در ولادت حسین بن علی (ع) از این کارته ۳۹ عظمی به پیامبر اکرم (ص) خبر داد و ما از آن روز شاهد ذلت و عقوبت تاریخی امت که امری تکوینی و نه تشریعی است، هستیم.

ابتلاء امت به آن ذوات مقدسه بسیار سخت شد «مَحْنَةُ النَّاسِ عَلَيْنَا عَظِيمَةٌ أَنْ دَعَوْنَا هُمْ لَمْ يَجِيبُونَا وَ أَنْ تَرَكْنَا هُمْ لَمْ يَهْتَدُوا بَعِيرًا» ۴۰ اگر ایشان را بخوانید اجابت نمی کنند و چون ترکشان گویم جز به ما هدایت نشوند. از یک طرف آنها را قبول ندارند و از طرف دیگر خداوند بدون آنها اعمال را قبول ندارد! و در کربلا این فلاکت به اوج رسید و امت به کفرانی عظیم مبتلا گشت و هر ضربتی و هر مصیبتی بر حسین (ع) و اهل بیتش اثری خاص و بسیار شوم بر امت فراهم آورد. کی امت از این شئامت رها و به خلعت عزت مخلع خواهد شد؟ طبعاً یا با استغفار و توبه از جنایتی است که در حق اهل بیت (ع) روا داشتند یا با انتقام و برای شقّ اول، هیچ وقت توفیق نیافته و نخواهد یافت. بالطبع ردّ بلا با انتقام تعین خواهد یافت و این از سنخ تشفی خاطر نیست؛ بلکه رحم آوردن بر امت نگون بخت است.

این تهمت بزرگ به شیعه است که گفته می شود شیعه با آرزوی تشفی خاطر زندگی کرده و می کند. اینان فلسفه آرزوی انتقام خون حسین (ع) را نفهمیده اند. امت تا جنایت خود در کربلا جبران نکند، چهره عزت نخواهد دید و آن با انتقام مهدوی است، نه با توبه، هنوز جماعتی از امت پا به جای قتله کربلا می گذارند و ضرباتی سهمگین تر از ضربات شمر و سنان بر شخصیت حسین (ع) وارد می کنند.

مفتی اعظم وهابیت با وقاحت تمام به خاندان اهل بیت (ع) اهانت می کند و می گوید: «إِنَّ الْحُسَيْنَ خُدِعَ بِنَفْسِهِ!» و ابن تیمیه با هتاکی تمام در برابر مهجه قلب رسول خدا (ص) فساد قیام امام حسین (ع) را بیشتر از صلاحش می داند و می گوید اگر حسین قیام نمی کرد، مصلحت آن بالاتر از قیام بود و سومی خدا را شکر می گوید که کوفیان به حسین (ع) لبیک نگفتند و او تنها ماند و آلا یک جمل دیگر درست می شد و چهارمی می گوید: «إِنَّ الْحُسَيْنَ قُتِلَ بِسَيْفِ جَدِّهِ» ۴۱ حسین با شمشیر جدش کشته شد. و... و معلوم می شود که نسل امویان و فکر عفن آنها هنوز در امت امتداد دارد.

امت در کربلا، نه حسین (ع)، بلکه رسول خدا (ص) را کشتند «و جرحوا کبد خیر الوری» ۴۲ روایات متواتر وحدت حضرت با اهل بیت خود روایات تشریفی نیست؛ بلکه تابلوی سر راه است.

و گریه ها و روضه ها و ندبه های فراوانی که طبق روایات اهل سنت، رسول خدا قبل از تولد و بعد از تولد حسین (ع) اقامه کرده؛ نه از جهت صرفاً عاطفی، بلکه از سر درد و سوز بر سرنوشت غم انگیز امتی است که با قتل مصباح هدی و سفینه نجات به جنگ خدا و رسول خدا (ص) برخاستند و تراش عظیم نبوی را زیر سم اسب ها به صحرای سوزناک جهل و نادانی و شهرت و هوسرانی منتشر کردند.

و این گونه بود که آنها نه تنها امت، بلکه بشریت را از شخصیتی محروم ساختند که اگر امام زمان (عج) بر فرض کلّ انسان های روی زمین را به خون خواهی آن امام همام از دم تیغ بگذرانند «لَمْ يَكُنْ سِرْفًا» ۴۳!! «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ» ۴۴ و نفسی را که خداوند حرام کرده است، جز به حق مکشید و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده ایم.»

آنچه از بشریت گرفته اند، آن چنان است که باید بشریت تا روز قیامت بر این فاجعه بگرید و این هنر شیعه است که تا قیامت گریان خواهد بود. هیچ گریه ای مثل گریه شیعه، نفیس و متعالی نیست و خداوند به خاطر همین گریه، دفع بلا می کند «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» ۴۵ و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی کرد، قطعاً زمین تباه می گردید.»

آن روز که اصحاب رسول خدا (ص) که به دنبال سعلت دنیا و هوای خرید از کاروان نماز جمعه رسول گرامی اسلام (ص) را به جز چند نفر ترک کردند و به نصّ روایات، بقای مدینه و اهل آن به چند نفر بسته شد و اگر آنها نیز بلند می شدند «لَا ضَرَمَ اللَّهُ الْمَدِينَةَ بِالنَّارِ!!» بعد از حادثه عاشورا نیز با گریه ها و ندبه ها و سوگواری های شیعیان علی بن ابی طالب (ع) بر آن کفران عظیم نعمت و جنایت وحشتناک امت، بلا از امت دفع گردید و اگر کلّ امت بر این جنایت مهر صحت می زدند، بلا کلّ امت را فرا می گرفت. ندای «أَلَمْ تَعْلَمِي أَنَّ بُكَاءَهُ يُؤْذِنِي» ۴۶ از طرف رسول خدا (ص) به فاطمه زهرا (س) در دوران طفولیت حسین (ع) نشان می دهد که آن رسول حکمت سخن، در قضیه عاشورا تا عمق جان آتش گرفته و سوخته است و طبعاً کار از ایذای رسول خدا (ص) به ایذاء و لعن

خداوندی رسیده است؛ مگر خداوند نفرموده بود «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ ۴۷ و از ایشان کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند او زودباور است.» و مگر نفرموده بود که با اذیت رسول خدا(ص) ملعون دنیا و آخرت خواهید شد «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَاباً مُّهِيناً؛ ۴۸ بی گمان کسانی که خدا و پیامبر او را آزار می رسانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خفّ آور آماده ساخته است.»

و مگر نفرموده بود «إِذَا فُلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ ۴۹ پس کسانی که از فرمان او تمرد می کنند، بترسند که مبادا بلایی بدیشان رسد یا به عذابی دردناک گرفتار شوند».

پویر ۷ در مصاحبه اش با اشپیگل ۸ چند سال پیش از مرگش گفت: امروز مدینه فاضله در کلّ تاریخ بشر، جامعه ایالات متّحده است. مصاحبه گر از او پرسید در جامعه ای که هر ۸ ثانیه یک قتل و هر ۹ ثانیه یک تجاوز جنسی صورت می گیرد و جامعه ای که بزرگ ترین منبع درآمدش موادّ مخدّر و سلاح های کشتار جمعی، هسته ای، شیمیایی و میکروبی است، چگونه می تواند مدینه فاضله و پایان تاریخ باشد؟! او پاسخ می دهد که: اصل ضرورت فکر کردن به مدینه فاضله دروغ بزرگی بوده که به ما گفته اند، هیچ مدینه فاضله ای در انتهای تاریخ وجود ندارد و نباید به آن فکر کرد و این فکری انحرافی در ذهن بشر و باوری اساطیری است!!!

آری موالیان اهل بیت(ع) هزار و چهارصد سال است که گریسته اند و خواهند گریست و در این باب به رسول خدا(ص) اقتدا کرده اند که به روایت عامّه قبل از این حادثه بارها بر این فاجعه بزرگ گریست، نه صرفاً از باب اینکه حسین(ع) فرزند اوست؛ بلکه بر حسین(ع) و سرنوشت نامبارکی که کار امّت را بسیار دشوار ساخت، از یک طرف موجب تأخیر در ظهور فرزندش، حضرت ولی عصر(عج) گردید و ضعفای امّت را در معرض تلبیس ابلیس و عفریته های ابلیس قرار داد و از طرف دیگر امّت سرمایه های آسمانی و نفیس بشریت را به راحتی و بی رحمانه از دست داد و پایمال کرد و خود و بشریت را داغدار و محروم ساخت بر این داغ باید آن چنان گریست که «حتّی تزهق انفسکم!!» ۵۰ و به تعبیر فرزندش، حضرت ولی عصر(عج) «فلاندبنک صباحاً و مساءً و لابیکن لک بدل الدموع دماً» ۵۱.

دعای ندبه مخصوص شیعه نیست؛ دعای ندبه زبان حال تمام نسل ها در تمام عصرها است. بشریت مجروح محروم کرامت شکسته با تمام سوز می گوید:

«کجاست آنکه آماده شده برای ریشه کن ساختن ستمگران؟ کجاست آنکه چشم به راهش هستند برای راست کردن نادرستی ها و کجی ها؟ کجاست آن مایه امید برای از بین بردن ستم و تجاوز؟ کجاست آنکه ذخیره شده برای نو کردن فریضه ها و سنّت های دین؟ کجاست آن کس که انتخاب گشته برای برگرداندن کیش و آیین؟ کجاست آنکه آرزویش داریم برای زنده کردن قرآن و حدود آن؟ کجاست زنده کننده آثار دین و اهل دین؟ کجاست

درهم شکننده شوکت زورگویان؟ کجاست ویران کننده بناهای شرک و دورویی؟ کجاست نابود کننده اهل فسق و گناه و طغیان؟ کجاست آنکه شاخه های گمراهی و اختلاف را ببرد؟ کجاست محو کننده آثار کج روی و هوا و هوس ها؟ کجاست پاره کننده دام های دروغ و بهتان؟ کجاست نابود کننده سرکشان و متمرّدان؟ کجاست ریشه کن کننده ستیزه جویان و گمراهان و بی دینان؟ کجاست عزّت بخش دوستان و خوار کننده دشمنان؟ کجاست گردآورنده سخنان بر پرهیزکاری؟ کجاست آن درگاه خداوند که از آنجا به سوی خدا روند؟ کجاست آن آیینه خدایی که به سویش توجّه کنند اولیاء؟ کجاست آن سبب خدایی که پیوست است، میان زمین و آسمان؟ کجاست آن فرمان روای روز فتح و پیروزی و برافرازنده پرچم هدایت و راهنمایی؟ کجاست گردآورنده شایستگی و خوشنودی (حق)؟ کجاست خواهنده خون پیمبران و فرزندان پیمبران؟» ۵۲

پی نوشت ها:

۱. الشیخ الکجوری، محمدباقر، الخصائص الفاطمیه، ج ۱، ص ۲۸۴.
۲. فرازی از دعای ندبه.
۳. ناپدید گردیدن، پاره پاره شدن (لغت نامه دهخدا).
۴. مفاتیح الجنان، اعمال روز مبعث.
۵. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱، باب ۷؛ مفاتیح الجنان، به نقل از سیدبن طاووس، بلدالامین، ص ۲۸۶؛ با تعبیر (ربیع الیتام و نضره الایتام)؛ مصباح کفعمی، ص ۴۹۷ با کمی تغییر.
۶. مفاتیح الجنان، فرازی از زیارت آل یاسین.
۷. سرکارل رایموند پوپر (به Karl Popper)، منطق دان، ریاضی دان و اندیشمند اتریشی - انگلیسی.
۸. اشپیگل (به Der Spiegel)، به معنای «آینه» («یک هفته نامه معتبر خبری در کشور آلمان است که در شهر هامبورگ منتشر می شود. اشپیگل در حال حاضر با شمارگانی بیش از ۱ میلیون نسخه، پرفروش ترین هفته نامه در آلمان است).
۹. سوره الرحمن (۵۵)، آیه ۲۹.
۱۰. زشت خوی شدن و ستمکار گردیدن. تجبر و طغیان کردن بر کسی، تخلق به اخلاق فراغه کردن، مشابهت به فرعون در تکبر و ستم. (لغت نامه دهخدا)

۱۱. ملاحم ابن طاووس: ص ۷۰، ب ۱۴۸؛ منتخب الأثر: ص ۴۷۸، ف ۷، ب ۷، ح ۲؛ ابن حماد: ص ۹۹؛ عرف السیطوسی، الحاوی: ج ۲، ص ۷۷؛ برهان المتقی، ص ۷۸، ب ۱، ح ۱۸.
۱۲. هر که غالب بود، حق با او است.
۱۳. نهج البلاغه، نامه ۴۶.
۱۴. کشف الغمه، ج ۳، ۲۶۱؛ روزگار رهایی ۵۹؛ مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۳۸.
۱۵. شرح ابن ابی الحديد بر نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸.
۱۶. مستدرک الوسائل، ۲/۳۲۲.
۱۷. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۳.
۱۸. نهج البلاغه، نامه ۴۰.
۱۹. نهج الفصاحه، ص ۶۷، ح ۲۴۶.
۲۰. مفاتیح الجنان، دعای امام رضا(ع) برای امام زمان(عج)، ص ۹۹۴.
۲۱. موسوعه احادیث المهدی، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۱.
۲۲. گرما و سرما.
۲۳. غیبت نعمانی، ص ۱۵۹؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۴۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.
۲۴. کافی، ج ۱، ص ۵۴۲.
۲۵. مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۲۱۱.
۲۶. سوره بقره(۲)، آیه ۳.
۲۷. سهروردی، ج ۳، ص ۳۰۴، ۳۱۸؛ درباره این حدیث رجوع کنید به بحار الانوار مجلسی، ج ۴۶، ص ۱۳۵.
۲۸. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲.
۲۹. نهج البلاغه، خطبه ۸۶.
۳۰. رک: بند ۱۸.
۳۱. نهج البلاغه، نامه ۴۱.

۳۲. سوره انفال (۸)، آیه ۳۷.
۳۳. نهج البلاغه، خطبه ۹۶.
۳۴. نهج البلاغه، خطبه ۲۵.
۳۵. سوره هود (۱۱)، آیه ۸۰.
۳۶. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین (ع) در ۲۱ رمضان.
۳۷. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۶۹.
۳۸. حدیث لوح، اصول کافی، ج ۲، صص ۵۲۸ و ۵۲۷.
۳۹. فاجعه.
۴۰. بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۴ سطر ۱۹ إلى ص ۷۲، سطر ۱۸.
۴۱. حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۴۱.
۴۲. بحار الانوار، الجزء التاسع و التسعون، الزیاره الخامسة، ص ۱۶۶.
۴۳. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۹۸.
۴۴. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۳۳.
۴۵. سوره بقره (۲)، آیه ۲۵۱.
۴۶. مجمع الزوائد، نورالدین هیثمی، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۲۰۱.
۴۷. سوره توبه (۹)، آیه ۶۱.
۴۸. سوره احزاب (۳۳)، آیه ۵۷.
۴۹. سوره نور (۲۴)، آیه ۶۳.
۵۰. کامل زیارات، باب ۲۳ قول امیرالمؤمنین، ح ۱۱.
۵۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۲۱۷.
۵۲. فراهی از دعای ندبه.